

## مجتبی حسن زاده

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

## مرتضی براتی<sup>۱</sup>

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

## محمود شریعتمداری طهرانی

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران.

# رویکردی به قوانین جعاله در نظام بانکداری اسلامی

## چکیده

یکی از نظام‌های مربوط به زندگی اجتماعی و فردی انسان که از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار است نظام اقتصادی و بانکی می‌باشد. در نظام بانکی، قراردادهای تحت عناوین مختلفی مانند قرض الحسنه، مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه و جعاله و .. وجود دارند. در این نوشتار برآنیم تا به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی موضوع جعاله به عنوان یک معامله فقهی مورد تایید قانون مدنی در نظام بانکداری اسلامی بپردازیم. طبق مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت؛ قوانین فقهی و حقوقی موجود در زمینه‌ی جعاله جامع و کامل است منتهی در دستورالعمل اجرایی و برخی بخشنامه‌های مربوطه باید بازنگری صورت گیرد. اوراق جعاله که از نوع ابزارهای مالی انتفاعی با بازدهی معین است و به گونه‌ای طراحی شده است که در عین رعایت ضابطه‌های شرعی از قابلیت بالای عملیاتی و توجیه اقتصادی برخوردار است. این اوراق در سه مدل اوراق جعاله برای تعمیرات اساسی، اوراق جعاله برای احداث و واگذاری، اوراق جعاله به صورت اوراق بهادار است. حال در این میان ممکن است جعاله ثانویه یا معامله دیگری که آئین‌نامه و دستورالعمل اجرایی پیش‌بینی نموده در بیشتر موارد منعقد نشود یا از تسهیلات جعاله در غیر از موارد تعیین شده استفاده شود، و یا جریمه دیرکرد در بازپرداخت تسهیلات بانکی، دریافت گردد. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود؛ با توجه به اهمیت نظام بانکداری مشروع در فقه اسلامی و به دلیل چالش‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی فراوانی که درباره این مسئله وجود دارد، ضرورت ارائه‌ی راه کارهای جایگزین همچون جعاله برای مبراشدن از ربا و بازنگری دقیق تر قوانین منصوصه در حیطه‌ی کاربرد جعاله در نظام بانکداری اسلامی، دوچندان گردد.

**واژگان کلیدی:** جعاله، نظام بانکداری، بانکداری بدون ربا، اقساط، پرداخت وام، جریمه.

<sup>۱</sup> mortezabarati@chmail.ir

## مقدمه

در نظام بانکداری اسلام همواره سعی بر آن می شود تا با رعایت موازین شرعی از آنچه در اسلام حرام دانسته می شود دوری گردد. یکی از مسائل حرام در سیستمهای پولی، پرهیز از رباست. بنابر این با مطالعه بر روی عقود اسلامی در صدد ایزادهای مالی مبتنی بر عقود موجه اسلامی هستند که آن را جایگزین ربا نمایند. حاصل تلاش های فعال حوزه ی علوم اقتصادی و بانکی، اوراق قرضه است. این اوراق به دسته های متنوعی ارائه می شود.

۱- ابزارهای بدهی مانند: صکوک اجاره، سلم، استصناع و مراهجه و جعاله

۲- ابزارهای حقوقی مانند: مضاربه

۳- ابزارهای انتفاعی مانند: ابزارهای با بازده مالی معین و ابزارهای با بازده انتظاری تقسیم می شوند.

۴- ابزارهای غیرانتفاعی مانند: ابزارهای که برای وقف و قرض الحسنه استفاده می شوند.

اوراق جعاله از اوراق بهادار اسلامی است که علی رغم کاربرد خود کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از کاربردهای جعاله می توان به تعمیر و احداث مسکن و راه و ساختمان اشاره نمود. چرا که بر اساس ماده ۴۳ قانون اساسی دولت موظف است مردم را در تامین مسکن یاری دهد. بنابراین بانک در قالب جعاله ی ثانویه یا معامله ای دیگر به شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری واگذار می کند. و همچنین اعتبارات اسنادی وارداتی و صادراتی، اعتبارات اسنادی امروزه مهم ترین شیوه ی پرداخت و قسمت اصلی و ضروری تجارت بین المللی است که شامل هزاران معامله به ارزش میلیاردها دلار به طور روزانه در نقاط مختلف دنیا می شود و تقریباً در همه آنها طبق قوانین متحدالشکل اتاق بازرگانی بین المللی عمل می کنند که خود بین جوامع بانکی، زبان مشترک و رمزی است و توسط اکثر بانک های دنیا شناخته شده و مورد تایید است (بیداری و همکاران، ۱۳۷۱: ۸). عمل گشایش اعتبار در بانک می تواند از باب جعاله باشد. یعنی سفارش دهنده کالا به بانک می گوید که اگر عمل گشایش اعتبار را برای او انجام دهد، مبلغی را که به عنوان کارمزد به بانک خواهد پرداخت و بانک پس از انجام عمل گشایش اعتبار، حق دارد که آن مبلغ را از او دریافت کند. به عبارت دیگر، قرارداد گشایش اعتبار اسنادی یک قرارداد جعاله است. ضمانت نامه های بانکی از دیگر کاربردهای جعاله در نظام بانکی است. کارمزدی که بانک بابت صدور ضمانت نامه از پیمان کار دریافت می کند، ظاهراً جایز است؛ زیرا صادر کردن

ضمانت‌نامه، عملی محترم واجرت گرفتن بر آن جایز است. از نظر حقوقی پرداخت کارمزد به بانک در این مورد از باب جعاله است. خریدوفروش سهام، یکی از معاملات رایج در بین مردم، خریدوفروش سهام شرکت های سهامی است. سهام، جمع سهم و هر سهمی نشان گر و نماینده‌ی جزئی از اجزای متساوی سرمایه یک شرکت است. مالک سهم به میزان سهامی که دارد، و در سود و زیان شرکت شریک است. جعاله می تواند در قالب سهام عرضه شود. جعاله بر هر عمل حلال و مورد قصد عقلا صحیح است لذا جعاله در همه ی بخشهای تولیدی و بازرگانی و خدماتی کاربرد دارد. بر همین اساس اوراق مالکیت مشاع خدمتی است که براساس قرار داد جعاله تعهد انجام و تحویل آن شده است. بعد از اتمام مدت جعاله صاحبان اوراق، مالک مشاع نتایج آن خواهند بود. نتیجه ی جعاله می تواند امتیاز مالی یا دارایی فیزیکی باشد.

### روند جعاله

جاعل با موسسه مالی وارد قرار داد جعاله می شود و ان را عامل قرار می دهد تا عملیات لازم جهت انجام پروژه صورت پذیرد. موسسه پس از مطالعه های اولیه و گرفتن مجوزهای لازم به انتشار اوراق جعاله اقدام می کند. سپس برای شروع فعالیت با جمع اوری وجوه به وکالت از طرف صاحبان اوراق جعاله، با شرکت پیمانکار وارد قرارداد جعاله می شود و طبق قرارداد پس از پایان هر مرحله از طرح، جعل مشخص شده را به وی می پردازد. پیمانکار پس از اتمام پروژه ان را در اختیار بانی مینهد. موسسه طرح تکمیل شده را در قالب قرارداد فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک به بخش خصوصی وا می گذارد. و از ان به صورت ماهیانه سالیانه یا .. اقساط یا اجاره بها دریافت می دارد. سپس این اقساط یا اجاره بها از راه شرکت تامین سرمایه پس از کسر هزینه های مربوطه میان صاحبان اوراق تقسیم می شود. اگر قرار داد اجاره به شرط تملیک باشد در پایان مدت اجاره نیز بخش خصوصی طرح را به طور کامل از بانی خریداری می کند و به این ترتیب اصل سرمایه صاحبان اوراق به آنان بازگشت داده می شود. اگر اجاره به شرط تملیک در پایان مدت قرار داد به صورت مجانی صورت گیرد که در این صورت اجاره بها به صورتی پرداخت شده است که اصل سرمایه و سود صاحبان اوراق را پوشش دهد.

فرایند انتشار اوراق جعاله از عناصر متعدد حقوقی تشکیل یافته است. این امر باعث شده است تا جعاله ماهیتی بسیط نداشته باشد. از کنار هم قرار دادن این روابط حقوقی فرایند انتشار اوراق جعاله را شکل داده و نسبت به طرفین جعاله حقوق و تکالیفی را ایجاد نموده است.

### مفهوم جعاله

جعاله وعده دادن شخصی برای پرداخت مبلغی وجه و یا دادن مالی به دیگری که عملی را انجام دهد اعم از اینکه آن کس معین یا غیر معین باشد. که اگر آن شخص کار مورد نظر را طبق شرایط مقرر انجام داد بر وعده دهنده واجب می شود که بر تعهدش عمل نماید، (علامه حلی، ۱۳۶۷: ۳۲۵) در مواد ۵۶ الی ۵۷۰ قانون مدنی مقتبس از فقه امامیه در تعریف جعاله مقرر می دارد: جعاله عبارتست از التزام شخص به اداء اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیر معین. در این ماده جعاله از معاملات معوض شناخته شده است. در ماده ۶۶ این نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا و ماده ۱ دستور العمل جعاله را چنین تعریف می کند: جعاله عبارت است از التزام شخص جاعل یا کارفرما به ادای مبلغ یا اجرت معلوم (جاعل) در مقابل انجام عملی معین طبق قرارداد، طرفی که عمل را انجام می دهد عامل یا پیمانکار نامیده می شود. در ماده ۵۶۲ مدنی ملتزم را جاعل و طرف را عامل و اجرت را جعل نامند.

### صیغه

اولین رکن از ارکان جعاله ایجاب است، ( محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳/ ۱۲۶) و صدور ایجاب توسط جاعل انجام می شود. (علامه حلی، ۱۴۰۷: ۱۱۷/ ۴۲۵) در جعاله ی بانکی مانند سایر عقود، داده های بانکی ایجاب و قبول کتبا صورت می گیرد. ایجاب جعاله محدود به لفظ خاصی نبوده و می توان آن را کتبا نیز منعقد ساخت. ( نجفی، ۱۴۰۴: ۳۵/ ۱۸۹) ایجاب از طرف جاعل انشا می شود و این ایجاب در بردارنده ی التزام به پرداخت پاداش (عوض) در برابر انجام کار معینی است. این جعاله خاص است که در بانکها اجرا می شود. چرا که عامل که قبول کننده ی این جعاله است همان بانک است و شخص معینی است (مظاهری، ۱۳۷۷: ۸۵).

از آنجا که بانک خود فعالیت مرتبط با جعاله را انجام نمی دهد و با شخص حقیقی یا حقوقی دیگری که قدرت انجام آن کار را دارد قرارداد ثانویه منعقد می کند. این قرارداد به همان شیوه ی جعاله ی اولیه است.

## التزام به ایجاب در جعاله

جعاله تعهدی است جایز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است، هر یک از طرفین می توانند رجوع کنند (ماده ۵۶۵ قانون مدنی). اگر جاعل از حق خود در زمینه ی امکان رجوع از ایجاب سوء استفاده کند و پیشنهاد خود را به دلایل نامعقولی پس بگیرد باید زیانهای ناشی از تقصیر خود را بپردازد. و اگر عامل به اعتماد پیشنهاد او مخارجی کرده باید جبران سازد. (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۲/۲۴۸) در قراردادهای بانکی جاعل و عامل هر دو حق فسخ جعاله را از خود ساقط کرده اند. بنابراین این عامل می تواند کار مورد قرارداد جعاله را به اتمام برساند و جاعل را وادار کند که به تعهدات خود (پرداخت اجره المسمی) عمل نماید. اگر بانک جعاله های ثانویه خود را در قالب جعاله عام برگزار کند و یا اینکه شرط اسقاط حق خیار در ضمن عقد لازمی نشده باشد، امکان رجوع از ایجاب تا زمانی است که عامل، عمل مطلوب را انجام نداده باشد. چرا که بعد از انجام کار التزام جاعل کامل شده و او نمی تواند از آنچه بر عهده گرفته شانی خالی کند. (مظاهری، ۱۳۷۷: ۸۸) در هنگامی که مطلوب عامل دارای چند بخش باشد و یک یا چند بخش عمل انجام نشود فسخ جاعل نسبت به بخش انجام شده بی تاثیر است. که ماده ی ۵۶۶ قانون مدنی نیز بر این امر اشعار دارد.

## التزام عامل

از آنجا که در ایین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا و دستورالعمل اجرایی جعاله تصریح نشده که بانکها موظفند حق فسخ جعاله را در ضمن عقد دیگری اسقاط کنند به نظر می رسد که بانکها می توانند جعاله را با همان طبیعت اولیه خودش که یک تعهد جایز است منعقد کنند. جعاله های بانکی نیز چنین مصداقی دارند مگر بر خلاف ان شرطی شده باشد. لزوم تنها از ناحیه ی مشتری بانک است چون در عقود جائزه بانک حق فسخ خود را ساقط نمی کند (مظاهری، ۱۳۷۷: ۹۰ و ۹۲).

## التزام جاعل

هرایجابی، قیود و شرایطی دارد ولو اینکه در عقد هم تصریح نشده باشد، تنها در حدود همان ایجاد التزام می کند. (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۲۶۴) به طور مثال اگر بانک پیشنهاد انجام کاری را در برابر اجرت معین به عموم نماید ابتدا باید دانست که آیا هرکسی که کار مورد نظر را انجام میدهد از پاداش بهره مند می شود یا بانک تنها برای یک بار اجرت را می پردازد و

این اجرت را به کسی می دهد که از میان داوطلبان برگزیده است یا به نخستین کسی که خبر انجام کار را به او می رساند و نتیجه آن تسلیم می کند و اینکه پاداش برای رسیدن به کدام نتیجه در نظر گرفته شده است بخصوص جایی که چند نتیجه ی گوناگون مورد نظر است. (همان) در جعاله هایی که بانکها منعقد می کنند چه جاعل بانک باشد و چه متقاضی تسهیلات حدود وظایف و مسئولیتهای جاعل در سند جعاله (جعاله نامه) قید می شود. از این رو به ندرت اختلافی در زمینه ی حدود التزام جاعل رخ می نماید.

### اهلیت طرفین

از آنجا که درماهیت عقد از حیث ایقاع یا عقد بودن اختلاف است، اگر جعاله را عقد بدانیم صغیر ممیز و سفیه باید دارای اهلیت برای عامل بودن باشند. چرا که اگر صلاحیت آنها را برای عامل بودن لحاظ نشود ممکن است متضرر شوند. اگر جعاله را ایقاع بدانیم جاعل با التزام دیگری سبب می شود تا هر کسی کار مورد نظر وی را انجام داد استحقاق پاداش را پیدا کند. بنابراین عامل در ایجاد التزام دخالت ندارد و هرگاه کارمعهود را انجام دهد به مقتضای سببی که از قبل به وجود آمده حق دریافت جعاله را پیدا می کند. صغیر ممیز و سفیه و به نظر عده ای از فقها مجنون و صغیر غیر ممیز بدون اذن ولی نیز می توانند طرف جعاله قرار گیرند. (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۱/ ۵۸۸؛ نجفی، ۱۳۶۹: ۱۳۵/ ۱۹۶) اختلاف نظرها تنها در اهلیت عامل است اما در جاعل همه فقها اتفاق نظر دارند و باید دارای اهلیت باشد. بنابراین جعاله صغیر (ممیز و غیر ممیز) مجنون، سفیه و ورشکسته نافذ نیست (نجفی، ۱۳۶۹: ۱۳۵/ ۱۹۶).

### قرارداد جعاله در بانک

قراردادهای بانکی جعاله به گونه ای تنظیم شده اند که جز در موارد خاص قابل فسخ نیست و شخص طرف قرارداد بانک در ضمن عقد خارج لازمی، اختیار فسخ خود را ساقط می کند. علاوه بر جاعل عاملی که بانک با او عقد جعاله را منعقد می کند هم باید دارای اهلیت کامل باشد. شایان ذکر است طبق قانون عملیات بانکداری بدون ربا چنین تکلیفی وجود ندارد که جعاله به صورت لازم و غیر قابل فسخ منعقد شود. ولی بخشنامه های داخلی و نمونه قراردادهای از قبل تنظیم شده منوط بر این امر است (مظاهری، ۱۳۷۷: ۹۲).

ایجاب جعاله چه بر مبنای عقد و چه ایقاع از ارکان مسلم آن است اما قبول مبتنی بر مبنای عقد یا ایقاع بودن است. جعاله اساساً ماهیتی ایقاعی دارد ولی طرفین می توانند در قالب عقد واقع سازند. این نامه قانون عملیاتی بانکی بدون ربا و دستورالعمل اجرایی جعاله

نیز همین شیوه ی جعاله عقدی را از بانکها خواسته است. جایگاه جاعل و عامل در جعاله بانکی به طور صحیح تبیین نگردیده است. به طور مثال در برگه ی تنظیم قرارداد جعاله برای تعمیرات بانک مسکن آمده است: جاعل متعهد و ملتزم گردید تعمیرات موضوع این قرارداد را ظرف مدت .. ماه به انجام برساند. مسلم است که در این قرارداد مفهوم جاعل و عامل خلط گردیده است. و یا در ماده ی ۳ دستورالعمل اجرایی جعاله آمده است: بانکها موظفند قبل از اقدام به انعقاد قرارداد عملیات موضوع جعاله را در حدنیاز بررسی و از اجرای قرار داد و برگشت جعل طمینان حاصل نمایند.

عبارت برگشت جعل تداعی کننده آن است که بانک که در قرارداد جعاله عامل است جعلی را به متقاضی پرداخت نموده و آنچه به بانک باز می گرداند نه جعل بانک در مقابل عمل بلکه بازگشت جعل است. این مطلب در مورد جعاله باطل است چون عامل جعل را دریافت و نه پرداخت می کند و اگر مراد بانک از این عقد آن است که پولی رادر واقع به فرد عامل پرداخت کند تا او عمل خویش را انجام داده و به طور اقساط با بهره باز گرداند. صوری بودن جعاله و ربوی بودن آن مسلم است. زیرا جعاله ای تحقق نیافته و جایگاه جاعل و عامل خلط گردیده است و آنکه عامل بوده جاعل گشته و جعل از سوی عامل جعاله پرداخت گردیده است. که خلاف ماهیت جعاله است. اگر هم مراد از جعل ، جعل ثانوی باشد به این معنا که مراد قانون گذار در این بخش قراردادی است که بانک در آن جاعل و نه عامل باشد فارغ از اشکالاتی که در مرحله ی اجرا در این موضوع وجود دارد مانند جعاله ثانوی را عامل با خود جاعل منعقد می کند چرا که عبارت بازگشت ظهور در این مطلب دارد و با این وجود اشکال خلط مقام جاعل و عامل نمود می یابد (الهام، ۱۳۹۴: ۱۹۶).

در قرارداد جعاله ی تعمیر مسکن بانک ملی آمده است: گیرنده ی جعاله (جاعل) نامیده می شود. گیرنده از یک طرف و بانک ملی به عنوان عامل که در این قرارداد بانک نامیده می شود. در این قرارداد بانک عامل و متقاضی تسهیلات جاعل می باشد. این در حالی است که در ماده ۲ این قرارداد آمده است. مدت انجام عملیات جعاله موضوع این قرارداد .... ماه از تاریخ انعقاد می باشد و در صورتی که به تشخیص بانک افزایش مدت ضرورت یابد از تاریخ انقضاء مدت قرارداد تا مدتی که حسب تشخیص بانک ضرورت داشته باشد، مدت قرارداد تمدید و جعل بانک نیز افزایش می یابد و جاعل در مورد افزایش مدت و جعل بانک اعتراضی

نخواهد داشت. در این ماده تعیین جعل را به عهده بانکی قرار داده که در ابتدای این قرارداد عامل نامیده شده بود. در نتیجه در قرارداد مذکور تعیین جعل به عهده عامل قرار داده شده است. اقتضای ماهیت جعاله تعیین جعل توسط جاعل است. مگر آنکه گفته شود عامل در مقام پیشنهاد به جاعل است به این بیان که عامل بگوید اگر این مقدار کمتر به من داده شود عمل را انجام نمی دهم و جاعل نیز قبول کند تا اشکال مذکور وارد نشود. ولیکن در این ماده حق اعتراض نیز از جاعل اسقاط گردیده به این معنا که فرد با این شرط این حق را نسبت به خود از بین برده است تا مخالفت با مقتضی حاصل شود نه اینکه شرط عدم استفاده از حق کرده باشد گرچه این نوع شرط نیز خالی از اشکال نمی باشد (الهام، ۱۳۹۴: ۱۹). می توان قائل شد که در فرض ماده ۲ قرارداد جعاله بعد از پایان مدت جعاله این عقد به پایان رسیده و آنچه در قرارداد ذکر شده است عقد مجزای جدیدی است که در ذیل جعاله قرار نمی گیرد لکن می توان آن را به عنوان یک مصالحه و یا اگر شرایط عمومی عقود را داشته باشد می توان به عنوان یک عقد جدید پذیرفت. اما لازم است تا در ظاهر عبارات قرارداد تغییراتی حاصل گردد. بهتر است چنین بیان شود: در صورتیکه به تشخیص بانک افزایش مدت ضرورت یابد از تاریخ انقضاء مدت قرارداد تا مدتی که حسب تشخیص بانک ضرورت داشته باشد، بانک با متقاضی مصالحه نموده تا در مقابل مقدار جعل و مدتی که بانک تعیین می کند کار به بانک واگذار گردد کو متقاضی در مورد افزایش مدت وجعل بانک اعتراضی نخواهد داشت (همان، ۱۹۸).

در جعاله بانکی بانکها هم عامل و هم جاعل می باشند. زیرا بانک بعد از اینکه در قرارداد جعاله به عنوان عامل عمل را قبول می کند در قراردادی دیگر با عنوان جعاله ثانوی به عنوان جاعل آن را به عاملی دیگر می سپارد. برای همین باید اهلیت بانک را هم به عنوان جاعل و هم عامل بررسی نمود. بانک به عنوان عامل در جعاله باید امکان تحصیل عمل را داشته باشد. امکان تحصیل عمل فقط در برخی از موضوع جعاله بانکی مانند گشایش اعتبار اسنادی برای شخص بانک فراهم بوده و سایر موضوعات مانند تعمیر مسکن و... از توان بانک خارج است. لذا ممکن است بر اهلیت آن اشکال شود. ولیکن همانگونه که در عبارات فقها بیان گردید این اشکال وارد نخواهد بود زیرا اگر در جعاله خاص شرط مباشرت نشده باشد مطلق امکان تحصیل ملاک بوده و مضاف بر اینکه در قرارداد مذکور شرط واگذاری عمل به دیگری با صلاح دید بانک نیز بیان شده است. در ماده ۴ دستور العمل



اجرائی جعاله آمده است: در مواردی که بانک عامل جعاله می باشد باید در قرارداد جعاله، اختیار بانک برای واگذاری انجام قسمتی از عمل معین به غیر تحت عنوان جعاله ثانوی و یا هر عنوان دیگری قید شود. در صورت انعقاد قرارداد جعاله ثانوی، بانک مکلف است بر حسن اجرای قرارداد نظارت نماید. در ماده ۵ قرارداد جعاله تعمیر مسکن بانک ملی نیز آمده است: جاعل به بانک حق و اختیار داد که انجا قسمتهایی از عملیات موضوع جعاله را به تشخیص و صلاحدید خود به دیگری واگذار نماید بدیهی است در اینصورت بانک نظارت لازم را بر حسن انجام کار اعمال خواهد نمود. با این حساب عدم اهلیت بانک به عنوان عامل را نمی توان دلیل بر عدم صحت جعاله بیان نمود. اما آنچه به نظر خالی از اشکال نمی رسد نحوه واگذاری بانک و قرار داد جعاله ثانوی است. بر این موضوع چند اشکال بیان شده است. اول آیا متعهد می تواند عمل را به دیگری به مبلغ کمتر واگذار کند؟ (الهام، ۱۳۹۴: ۱۹۹)

جعاله خاص که جعاله بانکی از این نوع می باشد، عامل اول که جاعل دوم است باید مقداری از کار را خود بر عهده بگیرد. در صحیحه محمد بن مسلم آمده است: از امام باقر و یا امام صادق (ع) در مورد مردی که عملی را قبول کرده و کاری را انجام نداده است و آن را به دیگری واگذار کرده است تا در آن سود ببرد، سوال شد امام (ع) پاسخ دادند صحیح نیست مگر اینکه خود فرد مقداری از عمل را به عهده گیرد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۳۲/۱۹).

همچنین در صحیحه دیگری ابوحمزه از امام باقر (ع) در مورد مردی که عملی را به عهده گرفته است و آن را بدون انجام کاری به دیگری واگذار کرده است، سوال کرد امام (ع) فرمودند صحیح نمی باشد. (همان) ظاهر قرارداد در واگذار کردن قسمتی از کار نه تمام آن توسط بانک به عامل دیگری است. گرچه در ظهور ماده اول قرار داد جعاله ثانوی بانک ملت غیر از این می باشد. در این ماده آمده است:

حسب تجویز ماده ۲ قرارداد جعاله شماره ... مورخ ... ثبت شده در دفتر خانه اسناد رسمی شماره ... منعقد شده بین بانک از یک طرف و آقای/ خانم ... از طرف دیگر که عامل مذکور در زمان انعقاد قرارداد مزبور حضور داشته و اطلاع کافی و کامل از مندرجات آن و تعهدات بانک دارد. به موجب قرارداد حاضر انجام و اجرای موضوع جعاله مندرج

در همان قرارداد به عامل تفویض و واگذار گردید. عامل به طور قطع و غیر قابل برگشت و به هزینه خود متعهد و ملتزم به اجرای آن ظرف مدت مذکور در قرارداد نامبرده گردید. همانگونه که پیدا است در این قرارداد آمده است که اجرای موضوع جعاله اول به عامل دوم تفویض می گردد. که اطلاق این عبارت ظهور در تفویض اجرای تمام عمل جعاله داشته که خلاف صریح روایات موجود می باشد. بر فرض اگر مراد همانگونه که در ماده ۴ دستور العمل اجرایی و ماده ۵ قرارداد جعاله تعمیر مسکن آمده است قسمتی از موضوع واگذار گردیده باشد که با روایات سازگار باشد، این عمل تقریباً مقدر بانک نبوده و در مقام عمل انجام نمی شود زیرا طبیعتاً بانک یک موسسه مالی نه شرکت ساختمانی است لذا تعمیر مسکن از عهده بانک خارج است پس در قرارداد جعاله ثانوی اگر تمام کار عملاً به عهده عامل دوم قرار داده نشود اهم آن توسط وی انجا پذیرفته بطوریکه عمل بانک عرفاً فاقد اعتبار و ارزش است به این معنا که اگر در عرف سوال شود که این مسکن توسط چه کسی تعمیر شد شاید کمتر کسی آن را مشارکت بانک و شرکت عامل بداند. گرچه قرارداد مذکور از جهت تقنین خالی از اشکال می باشد اما در مقام عمل با مشکل صوری بودن قرارداد جعاله ثانوی مواجه است. از سوی دیگر در مقام عمل معمولاً عامل دوم همان جاعل اول می باشد به این نحو که بانک مبلغی به جاعل برای تعمیر مسکن می دهد و در واقع قرار داد جعاله ثانوی را با او امضا می نماید. (الهام، ۱۳۹۴: ۲۰۱) گرچه ظهور ماده ۲ قرارداد جعاله ثانوی که می گوید: ... طبق نظر و تشخیص جاعل و در حضور جاعل اولیه در نوبت برابر صورت مجلس تنظیمی که به امضای بانک، جاعل اولیه و عامل خواهد رسید به عامل پرداخت خواهد شد... در این است که عامل همان جاعل اول نیست همچنین در ماده ۶۸ آیین نامه فصل سوم آمده است: در مواردی که بانک عامل جعاله می باشد باید در قرارداد، جعاله در اختیار بانک برای واگذاری انجام قسمتی از عمل معین به غیر تحت عنوان جعاله ثانوی و یا عنوان دیگری قید شود در این صورت بانک مکلف است بر عملیات اجرایی و نحوه مصرف و واریز وجوه نظارت نماید. که عنوان واگذاری به غیر منصرف به غیر از جاعل اول می باشد. لکن مفاد ماده ۱۱ صحبت از پرداخت بدیهی عامل به بانک دارد حال آنکه عامل نباید چیزی را به جاعل پرداخت نماید. از این مطلب می توان فهمید که بانک جعاله ثانوی را با همان جاعل اول امضا می نماید مضافاً بر اینکه انگیزه ای برای سایر عاملین در انعقاد چنین عقدی وجود ندارد. در هر

حال اگر جاعل اول همان عامل شود قطعاً نقض غرض بوده و صوری بودن معامله مسلم است. زیرا در اینصورت جاعل و عامل در عقد جعاله یک نفر خواهد بود که این امر معقول نمی باشد و همانگونه که در ماهیت جعاله بیان گردید در جعاله فرض بر این است که جاعل با انعقاد عقد مذکور انجا عمل را در مقابل جعل معین از دیگران خواهان است حال اگر خود توان و قصد انجام را دارد دلیلی بر انعقاد عقد جعاله نیست. بعهدہ گرفتن عمل از سوی جاعل اول در اوراق دریافت پول از عامل صوری و انجام دادن آن و باز پرداختش به همراه سود به بانک می باشد که از ماهیت واقعی جعاله بیگانه است. بطور کلی عبارت فقها در امکان واگذاری عمل به غیر در صورت به عهده گرفتن مقداری از کار منصرف به غیر از جاعل اول می باشد. در این موضوع فرقی در نحوه ی واگذاری عمل به جاعل اول با عقد جعاله و یا وکالت نمی باشد. چرا که نتیجه هر دو یکی است. مضاف بر اینکه قرارداد بانکی ظهور در عقد وکالت ندارد. لذا برای حل این مشکل در بخشنامه شماره ۶۸/۳۱۱۵ مورخ ۱۳۶۵/۸/۱۸ واگذاری انجام عملیات جعاله از طریق وکالت به جاعل ممنوع اعلام شده است (الهام: ۱۳۹۴: ۲۰۲؛ مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۵۵).

برای حل این مشکل به نظر می رسد که بانک از ابتدا عقد جعاله را نه برای تعمیر مسکن بلکه به عنوان پیدا کردن عامل برای تعمیر مسکن با متقاضی امضا نماید به این بیان که فرد با مراجعه به بانک تقاضای پیدا کردن عاملی برای تعمیر مسکن کند و بانک در قبال دریافت مبلغی عاملی را بر این کار تعیین نماید. پس در اینجا نیز دو قرارداد جعاله وجود خواهد داشت اما در واقع در قرارداد جعاله اول موضوع جعاله پیدا کردن عامل نه تعمیر مسکن است به این بیان که فرد به بانک بگوید اگر عاملی برای تعمیر مسکن من پیدا کنی جعل مذکور را دریافت خواهی نمود. انعقاد جعاله بر این امر نیز امری مشروع است زیرا اولاً پیدا کردن عامل امری دارای مالیت در نزد عرف و عقلاً بوده و لذا می توان در قبال آن جعل تعیین نمود. ثانیاً در روایات نیز تعیین جعل برای دلال که در واقع کار بانک در این جا نیز مشابه آن است جایز شمرده شده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۹۱/۲۳) از سوی دیگر قراردادی را که بانک با عامل امضا می نماید گرچه آن نیز یک قرارداد جعاله است اما بانک کار تحویل گرفته را به او تفویض نمی نماید تا اشکال میزان مشارکت او با عامل مطرح گردد بلکه در واقع از ابتدا بانک برای تعمیر مسکن متقاضی با عامل وارد

انعقاد قرارداد جعاله می شود. تنها اشکالی که ممکن است مطرح شود این است که بانک در واقع در اینجا ذی نفع نمی باشد چگونه می تواند جاعل در جعاله ای باشد که نفعی به او باز نمی گردد پاسخ این اشکال نیز در عبارات فقها بیان گردیده است. صاحب شرایع می گوید: اگر اجنبی عقد جعاله را منعقد کند در صورت انجام عمل جعل بر او واجب می شود (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۲۶/۳).

علامه بر این نظر است که لازم نیست ملتزم در جعاله خود مالک باشد پس اگر فردی بگوید هر کس عبد فلانی را بازگرداند جعل معین را به او می دهم، در صورت انجام عمل، دادن جعل بر او واجب می گردد. زیرا او خود را ملتزم نموده است. این بر خلاف موردی است که فرد ملتزم به ثمن در بیع دیگری شود چرا که ثمن در واقع عوض تملیک است پس امکان وجوب آن بر غیر از کسی ممکن است توسط غیر نیز ممکن است چرا که آن امر مقصود عقلا بوده و اذن جعاله آن را در بر میگیرد. بر خلاف معاوضه بر مال غیر که صحیح نمی باشد. که تملیک نسبت به او حاصل شده است قابل تصور نیست. (علامه حلی، ۱۴۰۷: ۱۷/۴۲۹) شهید ثانی می گوید: همانگونه که بذل مال مالک توسط غیر نیز ممکن است چرا که آن امر مقصود عقلا بوده و اذن جعاله آن را در بر میگیرد. بر خلاف معاوضه بر مال غیر که صحیح نمی باشد. (عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۱۱/۱۵۵)

از آنجا که جعاله نوعی معاوضه مانند بیع نیست لذا لزومی به مالکیت جاعل نمی باشد. اجرای جعاله توسط بانک در حالیکه مالک نیست خللی در آن ایجاد نمی کند. این راه حل گرچه از نگاه ظاهری می تواند تا حدی حلال این مشکل باشد لکن در مقام عمل قدرت اجرایی نیز نخواهد داشت زیرا طبیعتا در عرف عقلا باید مناسبتی بین جعل و عمل وجود داشته باشد و در غیر اینصورت عقلایی نخواهد بود پس طبیعتا نمی توان برای پیدا کردن عامل همان مقدار جعل را معین نمود که برای تعمیر مسکن معین می شود. لذا به نظر میرسد این راه حل نیز صوری بوده و کارایی لازم را نداشته باشد.

### پیش پرداخت

در ماده ۷۰ این نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا آمده است: دریافت یا پرداخت قسمتی از مبلغ قرارداد جعاله، به عنوان پیش دریافت و یا پیش پرداخت با رعایت ضوابط حداقل و یا حداکثر مقرر از طرف شورای پول و اعتبار مجاز می باشد.

در ماده ی ۴ قرارداد جعاله تعمیر مسکن بانک ملی آمده است: جعل بانک جهت انجام عملیات موضوع جعاله که هزینه های پیش بینی شده به شرح ماده ۳ این قرارداد را نیز شامل می گردد کلا مبلغ به عدد... ریال(حروف) ... ریال می باشد که جاعل متعهد شد مطالبات بانک را به شرح ذیل پرداخت نماید.

در ... قسط مساوی ماهانه از قرار هر قسط ... ریال که تاریخ پرداخت اولین قسط ... می باشد. تاخیر در پرداخت هر قسط از هر یک از شرایط و یا عدم انجام تعهدات مندرج در این قرار داد موجب حال شدن کلیه مطالبات بانک شده و در آن صورت بانک می تواند به استناد این قرار داد کلیه مطالبات خود را دفعتا واحدا از جاعل مطالبه و وصول نماید. اگر مراد از آنچه به عنوان پیش دریافت یا پیش پرداخت در ماده ۷۱ آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا آمده است، جعل عمل باشد، مسلم باطل است و هیچ توجیه شرعی نخواهد داشت زیرا جعل بعد از عمل استحقاق می یابد پس امکان دریافت آن قبل از عمل نمی باشد اما اگر مراد آن است که بانک به عنوان عامل این قرارداد برای حصول اطمینان از جاعل مبلغی را به عنوانی غیر از جعل مانند هبه دریافت نموده و بعد از حصول عمل مبلغ دریافت شده را با جاعل مصالحه کنند به این معنا که عامل رضایت دهد مقدار هبه دریافت شده را از میزان جعل کمک کند، البته این معامله نمی تواند الزام آور باشد مگر اینکه جاعل در ذیل عقد لازمی شرط نماید که عامل گذشت به میزان مقدار مال موهوب را بپذیرد. در هر صورت ظهور این فقره از ماده آیین نامه مذکور در این مطلب نبوده و خلاف قواعد فقهی بودن در آن محرز است. برخی از معاصرین نیز مساله پیش پرداخت در جعاله را مورد اشکال قرار داده، آن را فاقد وجه شرعی می دانند. تفاوت جعاله با اجاره در همین موضوع است چرا که در اجاره مستاجر با عقد مالک منفعت می گردد پس می توان اجرت را ابتدا قبل از استیفا منفعت از مستاجر دریافت نمود اما از آنجا که جعاله عقد نمی باشد. عمل عامل، ملک جاعل نمی گردد پس نمی توان آن را قبل از اتمام عمل دریافت نمود. عده ای دریافت این مبلغ را به عنوان قرض صحیح می دانند. (خرازی، ۷۵/۴۱) البته عقد بودن جعاله مورد قبول نمی باشد. چراکه مالک در مقابل دریافت نتیجه (مثل رسیدن به عبد فراری) جعل را به تملیک عامل در می آورد. لذا همانگونه که معلوم است بر فرض عقد بودن جعاله نیز عامل تا قبل از

انجا عمل مالک جعل نمی باشد. این موضوع شبیه به دین قبل از اجل می باشد. پس عقدیت جعله موجب جواز بر اخذ جعل نخواهد بود. همچنین دریافت این مبالغ به عنوان قرض نیز خالی از اشکال نمی باشد زیرا در واقع جاعل با قرضی که به عامل می دهد انجام عمل را از او می خواهد و بعید نیست شامل حرمت ادله ربا گردد. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸/۳۵۴؛ الهام، ۱۳۹۴: ۲۱۵) اما آنچه از حلول کلیه مطالبات بانکی بصورت دفعی در صورت تخلف در پرداخت در ماده ۴ قرارداد تعمیر مسکن آمده است نیز فاقد هر گونه وجه شرعی می باشد. در این فقره از قرارداد تخلف جاعل در پرداخت را موجب حلول دین موجب به بانک می داند (الهام، ۱۳۹۴: ۲۱۶).

فرض پذیرش ثبوت دین بر ذمه جاعل نسبت به بانک قبل از عمل عامل که در اشکال اول بیان گردید، دلیلی بر حلول آن به صرف تخل در پرداخت وجود ندارد. بلکه خلاف اصل براءت ذمه جاعل تا قبل از حلول اجل می باشد. فقها مرگ را تنها علت حلول دین قبل از اجل دانسته و دلیل آن را روایات موجود در این مورد می دانند. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۷۸/۲؛ علامه حلی، ۱۴۰۷: ۱۷/۱۴)

دوم آنکه بر فرض شرط حلول قبل از اجل به علت تخلف جاعل توسط عامل، اولاً اصل صحت این شرط مشکل است زیرا حلول دین موجب منوط به سبب آن است اگر سبب دین مثلاً فروش اقساطی باشد این شرط خلاف مقتضی خواهد بود در مجموع مراد این است که نمی توان شرط را بطور مطلق دلیل بر حلول دین موجب دانست. ثانیاً بر فرض امکان، شرط در ضمن عقد لازم، لازم الوفاء خواهد بود جعله بر فرض عقدیت آن عقد جائز بوده و شرط ضمن آن نیز لازم الوفاء نخواهد بود. ثالثاً آنچه اشکال اصلی می باشد عدم استحقاق عامل جعله نسبت به جعل قبل از عمل است لذا عامل حق دریافت هیچ مقداری از جعل را قبل از اتمام عمل نخواهد داشت. بنابراین بر فرض پذیرش حلول دین با شرط در این مورد دینی وجود ندارد تا حال گردد. فقها معتقدند که اگر عامل برخی از عمل را هم انجام داده باشد و معامله را فسخ نماید هیچ چیز به او تعلق نمی یابد زیرا مالک عوض را در مقابل مجموع کار قرار داده لذا نمی توان به صرف انجا بعضی چیز از آن را مستحق گردید چرا که غرض مالک حاصل نگردیده است. (عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۱۱/۱۵۶) در نتیجه عدم استحقاق عامل نسبت به جعل قبل از عمل امری قطعی و مواد مذکور خالی از اشکال نمی باشد. (الهام، ۱۳۹۴: ۲۱۶)

## جریمه تاخیر تادیه

در ماده ۱۰ قرارداد جعاله تعمیر مسکن بانک ملی:

در صورت عدم تصفیه کامل بدهی ناشی از قرارداد بعثت تاخیر تادیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تصفیه کامل بدهی مبلغی بر ذمه جاعل تعلق خواهد گرفت از این رو جاعل با امضای این قرارداد تعهد نمود علاوه بر بدهی تادیه نشده به ازاء هر سه هزار ریال ... ریال در روز نسبت به بدهی مذکور بر حسب قرارداد به بانک پرداخت نماید به همین منظور جاعل ضمن امضاء این قرار داد بطور غیر قابل برگشت به بانک حق و اختیار داد که از تاریخ سر رسید تا تاریخ تصفیه کامل بدهی معادل مبلغ مورد قرارداد از حسابهای جاعل برداشت و یا به همان میزان از سایر داراییهای وی تملیک نماید. اخذ مبلغ موضوع این ماده مانع از تعقیب عملیات اجرایی برای وصول مطالبات بانک نخواهد شد. توافق شد که هر بار بانک از وجوه دریافتی یا وصولی بدوا خسارت تاخیر تادیه موضوع این ماه را برداشت و پایاپای نماید. در ماده ۱۱ قرارداد جعاله ثانوی بانک ملت نیز آمده است: در صورت عدم تصفیه کل اصل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر به علت تاخیر در تادیه بدهی ناشی از این قرار داد از تاریخ سررسید تا تاریخ تصفیه کامل اصل بدهی، مبلغی به ذمه امضا کننده/ امضا کنندگان این قرارداد تعلق خواهد گرفت. از این رو گیرنده تسهیلات اعتباری با امضای این قرارداد تعهد می نماید علاوه بر بدهی تادیه نشده مبلغی معادل ... درصد مانده بدهی برای هر سال نسبت به بدهی مذکور بر حسب این قرارداد بانک پرداخت نماید. منظور گیرنده تسهیلات اعتباری ضمن امضای این قرارداد به طور غیر قابل برگشت به بانک اختیار داد که از تاریخ سررسید تا تاریخ تصفیه کامل اصل بدهی، معادل مبلغ مورد قرارداد از وثیقه، استیفا یا از حساب گیرنده تسهیلات اعتباری برداشت و یا به همان میزان از سایر دارایی های آن تملک نماید. اخذ مبلغ مقرر به شرط فوق، مانع تعقیب عملیات اجرایی برای وصول مطالبات است.

قائلین به جواز اخذ جریمه ی ضمان منافع، شرط ضمن عقد و کاهش ارزش پول را به عنوان دلایل خود بیان کرده اند لذا آنچه در جعاله قابل توجه است آن است که عامل قبل از عمل مستحق جعل نمی گردد پس بر جاعل لازم نیست مبلغی را به عنوان

جعل قبل از اتمام عمل به بانک بدهد حال چگونه مبلغی که اصل آن لازم نیست تاخیر آن جریمه داشته باشد؟ اگر این مبلغ را از باب هبه دانسته شود نیز تاخیر آن، جریمه را در پی نخواهد داشت. هبه امری نیک و برای ایجاد محبت و وصلت بین افراد انجام می گیرد شیخ دلایل مشروعیت این عقد را آیاتی مانند تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى (مائده ۲) لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ... وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوَى الْقُرْبَى (بقره، ۱۷۷) و همچنین روایاتی دال بر استحباب هدیه و هبه، میدانند. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۲۸۵)

با این توضیح ملزم کردن واهب به جریمه خلاف فلسفه ی تشریح هبه می باشد. (الهام، ۱۳۹۴: ۲۱۷) ماده ۱۰ قرارداد جعاله ی ثانویه است. در این قرار داد بانک به عنوان جاعل و متقاضی، عامل این قرارداد است. جعل بر عهده جاعل بوده و و وظیفه ی عامل صرفا به اتمام رساندن عمل خواهد بود. در این قرارداد بانک فرد مقابل که عامل این جعاله است را ملزم به پرداخت بدهی نموده است این در حالی است که در ماده ۲ این قرار داد آمده است: مقدار جعل برای انجام کار با توافق طرفین تعیین شده است که حسب تقاضای عامل و متناسب با پیشرفت موضوع جعاله و کار طبق نظر و تشخیص جاعل و در حضور جاعل اولیه در دو نوبت برابر صورت مجلس تنظیمی که به امضای بانک، جاعل اولیه و عامل خواهد رسید به عامل پرداخت خواهد شد، بانک حق دارد از هر پرداخت پنج درصد آن را کسر و به اداره دارایی بپردازد. در این ماده جدا از اشکال سابق که استحقاق جعل بعد از اتمام عمل می باشد که در این جا نیز جاری است، صریحا بیان میدارد که جعل از سوی بانک که جاعل است به عامل پرداخت می شود در حالیکه در ماده ۱۱ جریمه تاخیر پرداخت بدهی را از عامل طلب می کند. در هر حال مراد قانونگذار از این ماده معلو نبوده و اهر آن خلاف بدیهیات فقه می باشد. نتیجه کلام در این بخش آن است که جدا از صحت یا عدم صحت دریافت جریمه تاخیر تادیه، اخذ این جریمه توسط عامل از جاعل در جعاله صحیح نیست زیرا دریافت اصل مبلغ جعل قبل از عمل مشروعیت نداشته چه رسد به دریافت جریمه تاخیر. (همان: ۲۱۸)

### تسلیم موضوع جعاله

ماده ۶ قرارداد جعاله تعمیر مسکن بانک ملی بیان می کند: جاعل متعهد است تا پایان مدت انجام عملیات جعاله موضوع این قرارداد بشرح ماده ۲ برای تحویل موضوع جعاله به بانک مراجعه کند و موضوع جعاله را تحویل بگیرد و عدم مراجعه جاعل برای



## رویکردی به قوانین جعاله در نظام بانکداری اسلامی (صص ۲۲۷-۲۰۰)

تحويل موضوع جعاله نافی مسولیت و تعهد جاعل در پرداخت مطالبات بانک نخواهد بود و جاعل متعهد و مکلف به اداء بدهی خود به بانک بشرح این قرار داد می باشد. در این ماده همانگونه که ملاحظه می شود بانک به عنوان عامل شرط عدم تسلیم موضوع جعاله را می نماید. در مباحث قبل در این مورد نکاتی بیان گردید. صاحب جواهر معتقد بود که تسلیم موضوع جعاله در موردی است که یا جاعل به آن تصریح نموده و یا اطلاق عقد این مطلب را بیان دارد. (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۹۷/۳۵) با این توضیح معلوم است تسلیم موضوع مقتضای اطلاق جعاله نه مطلق آن می باشد لذا شرط عدم تسلیم امری ممکن بوده و خلاف مقتضای عقد نمی باشد. (الهام: ۱۳۹۴: ۲۱۸) از سوی دیگر ید عامل بر مال امانی می باشد. علامه در تذکره می گوید دلیلی بر امانی بودن ید عامل به غیر از اصاله البرائت نیافته است. (علامه حلی، ۱۴۰۷: ۴۴۸/۱۷)

شاهد اول در تنازع بین عامل و جاعل در افراط و تفریط عامل حکم به قسم خوردن عامل میدهد. (مکی عاملی، ۱۴۱۷: ۱۰۰/۳) که ظاهر در امانی بودن ید او و اجرای قاعده مشهور لیس للامین الا الیمین می باشد. همچنین می توان گفت که جاعل با انعقاد عقد مذکور عامل را معینا یا بطور کلی بر مال خویش مسلط نموده است لذا اذن مالک موجب امانی بودن ید عامل می گردد. آنچه مسلم است آن است که ید عامل در جعاله از نوع امانت مالکی بوده و لذا بدون مطالبه مالک بازگردان مال بر عامل لازم نمی باشد. اما آنچه در این ماده قابل توجه می رسد آن است که قانونگذار در این مورد بیان می دارد «عدم مراجعه جاعل برای دریافت موضوع نافی مسولیت و تعهد جاعل در پرداخت مطالبات بانک نخواهد بود.» ظهور این فقره در این است که تعهد جاعل به پرداخت بعد از اتمام بوده که می گوید در صورت اتمام عمل و عدم تسلیم جاعل نمی تواند از تعهد خود نسبت به پرداخت جعل کوتاهی کند پس این تعهد بعد از اتمام محقق می شود که در این ماده سعی در الزام جاعل به اجرای تعهد دارد. با این بیان این ماده که به نظر خالی از اشکال می رسد با موادی که عامل جعل را به صورت اقساط ماهیانه از جاعل دریافت می کند تعارض خواهد داشت. مگر آنکه برای جم بین این مواد قایل به این شد که مراد مواد سابق نیز دریافت جعل بعد از اتمام عمل بصورت قسطی می باشد. (الهام: ۱۳۹۴: ۲۱۹).

## پرداخت جعل با طلب عامل

در ماده ۱۷ قرارداد جعاله تعمیر مسکن در قبال تعهد شخص ثالث بانک ملی آمده است: متعهد/متعهدین با علم و اطلاع و وقوف کامل نسبت به مندرجات این قرار داد و کمیت و کیفیت تعهدات جاعل به موجب این قرارداد متضامنا با خود جاعل انجا کلیه تعهدات و پرداخت بدهیهایی را که در ارتباط با انجام معامله موضوع این قرارداد بعهد جاعل می باشد، تعهد نمود/نمودند و متعهد و ملتزم گردید/گردیدند به محض مطالبه بانک، طلب مورد مطالبه بانک را به بانک تسلیم و پرداخت کند... در این قرارداد متعهد را ملتزم می نماید به محض طلب بانک مطالبات را به بانک پرداخت نماید. مراد قانونگذار در این بند نیز روشن نمی باشد. اگر مراد بعد از اتمام عمل است ماده فوق خالی از اشکال بوده اما ظاهر این ماده بر این مطلب نیست و اگر مراد آن است که هر زمان بانک به عنوان عامل این قرارداد طلب خود را مطالبه کرد بر جاعل و یا متعهد لازم باشد تا آن را پرداخت نماید قطعاً صحیح نیست زیرا مطالبه بانک قطعاً دلیل بر التزام نخواهد بود بلکه همانطور که سابق بیان شد اتمام عمل از سوی عامل موجب استحقاق خواهد شد. لذا بر قانونگذار لازم است این ماده را اصلاً نموده تا مرادش واضح گردد (الهام: ۱۳۹۴: ۲۲۱).

## وثیقه بر جعل

در ماده ۱۶ قرارداد جعاله اولیه در امر تعمیر و تکمیل واحدهای مسکونی بانک ملت آمده است: جاعل برای تامین و وثیقه پرداخت وجوه مورد مطالبه عمل، به شرح این قرارداد و همچنین به منظور تضمین اجرای تعهدات خود ناشی از این قرارداد، ملک مشروحه زیر را که همان ملک مذکور در ماده ۱ می باشد، به موجب این قرارداد در رهن و وثیقه عامل قرارداد و عامل نیز مورد رهن را پس از تصرف موقتی به طور امانت به جاعل سپرد. در ماده ۱۷ همان قرارداد همچنین آمده است: جاعل قبل از تصفیه کامل بدهی ناشی از قرارداد منعقد با عامل و فسخ آن، حق ندارد بدون موافقت عامل حق استرداد یا هر نوع حقی از حقوق خود نسبت به عین یا منافع مورد رهن را به دیگری منتقل و واگذار نموده و یا هر گونه معامله یا عمل و اقدامی به هر صورت و تحت هر عنوان نسبت به انتقال یا واگذاری عین یا منافع مورد رهن به غیر انجام دهد.

توضیح جعاله بانکی با اشکالات متعددی از جمله پیش پرداخت که در آیین نامه فصل سوم آمده است و نیز جریمه تاخیر تادیه و یا اخذ رهن در مقابل آن مواجه خواهد بود که برخی از آنها مانند پیش پرداخت با راهکارهایی مثل هبه و مصالحه بعد از عمل قابل توجیه بوده و برخی دیگر مانند جریمه تاخیر و یا اخذ رهن قابل توجیه فقهی نمی باشد. قرار داد جعاله خالی از اشکال نبوده و تصحیح آن به نظر لازم می رسد. جایگاه جاعل و عامل در بانک دقیقاً مشخص نیست. از یکسو در قرارداد جعاله تعمیر مسکن متقاضی تسهیلات را جاعل دانسته و از سوی تعیین جعل بر عهده بانک قرارداد شده است. و نیز در جعاله ثانوی آنچه عملاً اجرا می شود عامل قرارداد جاعل اول در همان عقد جعاله است که در این صورت صوری بودن جعاله حاصل می شود. از آنجا که عامل جعل را بعد از عمل مستحق می گردد، جعاله بانکی با اشکالات متعددی از جمله پیش پرداخت که در آیین نامه فصل سوم آمده است و نیز جریمه تاخیر تادیه و یا اخذ رهن در مقابل آن مواجه خواهد بود که برخی از آنها با راهکارهایی مانند هبه و مصالحه بعد از عمل قابل توجیه بوده و برخی دیگر مانند جریمه تاخیر و یا اخذ رهن قابل توجیه فقهی نمی باشد. اضافه کردن قرارداد عقدی دیگر به عنوان عقد خارج لازم همراه با قرار داد جعاله از صوری شدن این مساله در مقام اجرا جلوگیری نماید. جایگزینی راهکارهایی مثل هبه و مصالحه به جای پیش پرداخت در عقد جعاله بهتر است. ماده ۱۶ قرارداد جعاله اولیه در امر تعمیر و تکمیل واحدهای مسکونی اینگونه تغییر نماید: جاعل برای تامین و وثیقه پرداخت وجوه مورد مطالبه عمل، به شرح این قرارداد و همچنین به منظور تضمین اجرای تعهدات خود ناشی از این قرارداد، ملک مشروحه زیر را که همان ملک مذکور در ماده ۱ می باشد، به موجب این قرارداد به بانک هبه می نماید به شرط آنکه در صورت دریافت جعل همان ملک و یا چیزی برابر با ارزش زمانی آن را به جاعل هبه نماید. بهتر است ماده ۷۰ آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا اینگونه تغییر کند: جاعل متعهد می گردد در شرط خارج لازم، مبلغی برابر با مقداری از قرارداد جعاله، به عنوان هبه با رعایت ضوابط حداقل و حداکثر مقرر از طرف شورای پول و اعتبار به عامل بپردازد. برخی دیگر از اشکالات مطرح شده در قرار داد مثل عدم تبیین دقیق جایگاه عامل و جاعل در قرار داد جعاله نیز قابلیت پیشنهاد جایگزین نداشته زیرا در صورت تصحیح مطابق قواعد

فقهی کارایی اجرایی به عنوان عقد بانکی را بطور کل یا در حد قابل توجهی از دست خواهد داد. لذا به نظر می‌رسد برای حل این مشکل باید به فکر طراحی عقدی دیگر با کارایی اقتصادی بود و همانگونه که تاکید گردید هدف اصلی این تحقیق بیشتر نشان دادن اشکالات موجود بوده و راهکار مناسب نیازمند همراهی اقتصاددانان می‌باشد و از حدود توانایی فقه به تنهایی خارج می‌باشد. (الهام، ۱۳۹۴: ۲۳۱) در برخی از بانکها در ضمن قرارداد جعاله اولیه خود به عنوان عامل اصلی، به جاعل (مشتری) وکالت و نمایندگی می‌دهد که خود او موضوع جعاله را انجام دهد و این وکالت و نمایندگی هم تبرعی است و بانک صرفا هزینه موضوع جعاله را به وی می‌پردازد و نه بیشتر (کلویی، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

※ اشکالاتی که در این زمینه وجود دارد :

۱- اصل جعاله این است که جاعل (مشتری) عمل خود را به عامل (بانک) واگذار نماید، این روش کاملا بر خلاف مقتضای ذات جعاله است زیرا عامل در آن به صورت شرط ضمن عقد انجام موضوع جعاله را به جاعل (مشتری) واگذار نموده است. چنین شرطی باطل است و مبطل جعاله نیز می‌باشد.

۲- مطابق روایات کسی که انجام کاری را متقبل شده است جایز نیست انجام آن کار را بدون انجام کاری به شخص دیگری با مبلغ بیشتر واگذار نماید (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۲۲/۵). طبق صحیح محمد ابن مسلم از امام (ع) درباره مردی سوال شد که کاری را قبول می‌کند و بدون آنکه خودش مقداری از آن کار را انجام دهد، آن را به دیگری واگذار می‌نماید و از این طریق سود می‌برد. آیا جایز است؟ حضرت فرمودند لا؛ الا ان یكون قد عمل فيه شيئا (همان) این روایت از آنجا که اطلاق دارد قابل تعمیم به جعاله هم هست. برخی از صاحب نظران معتقدند که این اشکال وارد نمی‌باشد و اگر اشکالی هم باشد در مقام اجراست. آنها در پاسخ به این پرسش که آیا بانک با اینکه خودش به ظاهر، کاری انجام نمی‌دهد و تنها واسطه در رساندن سرمایه به عامل ثانوی (مشتری) است می‌تواند در جعاله نقش عامل را داشته باشد؟ می‌گویند که در مورد عامل بودن بانک در جعاله با اینکه به ظاهر انجام نمی‌دهد، اشکالی وجود ندارد زیرا اولاً جاعل (متقاضی تسهیلات) مباشرت بانک را در اجرای عمل شرط نمی‌کند. ثانیاً همین تامین سرمایه و نظارت فنی بر حسن اجرای کار (که بر طبق ماده چهار دستورالعمل اجرایی انجام می‌گیرد که طبق آن بانک موظف است بر حسن اجرای قرارداد نظارت کند) نوعی کار است که می‌توان در قبال آن اجرت

(جعل) گرفت، ثالثا جعاله ایقاع است و به قبول نیازی ندارند، بنابراین مشمول روایاتی که از واگذار کردن کار به مبلغ کمتر به شخص ثالث منع می کند، نمی شود و از این جهت، اشکالی وارد نیست. پس قوانین مربوط به جعاله مشکل شرعی چندانی ندارد، فقط در دستورالعمل اجرایی و برخی از بخشنامه های مربوط به جعاله وجود دارد که باید اصلاح شود. با توجه به اشکالات فوق این روش به لحاظ شرعی اشکال دارد (کلویی، ۱۳۹۴: ۱۹۰).

### عملکرد جعاله در سیستم بانکی

۱. طبق ماده ۱۶ قانون عملیات بانکداری بدون ربا بانک ها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم، برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی مبادرت به جعاله نمایند. بنابراین جعاله در همه ی بخش های اقتصادی کاربرد دارد و از این رو می تواند به عنوان مکمل و بدیلی برای عقد مضاربه (صرفا مربوط به بخش تجاری) قرار گیرد. کاربرد جعاله در نظام بانکداری اسلامی به حدی است که ان را ام العقود نامیده اند. دلیل این گستردگی کاربرد ان به علت سهولت شرایط این عقد نسبت به سایر عقود و همچنین گسترده موضوعات قابل انجام به وسیله ان است. در حال حاضر برای ساخت هواپیما، طراحی بندر یا احداث اتوبان و سد و ... را درقال قرارداد جعالع پیش بینی کرد اما ائین نامه ها طوری تنظیم شده است که قرارداد جعاله فقط برای تعمیر ساختمان و چند کار محدود دیگر استفاده شود. (مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۶۰-۱۶۹) این امر نشان می دهد که گروه تنظیم کننده دید باز فقهی در مورد قرارداد جعاله را نداشته و کاربرد ان را محدود دیده در نتیجه قرارداد را هم بسیار محدود و برای نیازهای سطحی و ابتدایی تنظیم کرده اند با مطالعه ی مجدد قراردادهایی که می توان ان را در قالب جعاله سامان داد می توان ایین نامه ای وسیع نوشت (حسینی، ۱۳۸۵، ۱۸).

۲. در بسیاری موارد جعاله اصلا منعقد نمی شود و توافق بین اراده ی طرفین محقق نمی گردد زیرا ظاهر امر نشان می دهد که در بیشتر موارد هدف مشتری استفاده از تسهیلات و هدف اصلی بانک اطمینان از بازدهی چند دصد سود است و به قصد و رضای طرفین هیچ توجهی نمی شود. مثلا مشتری احتیاج به پول دارد و تعمیر منزل بهانه است و بانک هم مطلع است که به شخصی که بر طبق قرارداد جعاله تسهیلات اعطا می کند قصد تعمیر منزل ندارد و قرارداد به صورت صوری امضاء می شود. (کلویی، ۱۳۹۴: ۱۶۵) گاهی اوقات کارگزار

بانک از مفاد قرارداد جعاله آگاه است ولی عامه ی مردم از ماهیت جعاله اطلاعی ندارند و تفهیم ماهیت حقوقی جعاله به مشتری بالاخص جعاله ی اولی و جعاله ی ثانوی در بعضی موارد غیر ممکن است و چون به عقد مزبور قصدی تعلق نگرفته است و سازنده ی عقد طرفین است لذا هیچ ماهیت حقوقی در عالم خارج شکل گرفته است و از این جهت بر پرداخت تسهیلات در قالب عقد جعاله ایراد قانونی و شرعی مترتب است (رئسی، ۱۳۷۳: ۲۴۱).

۳. جعاله های عادی برای هیچ یک از طرفین الزام آور نیست ولی در جعاله های بانکی نوعاً بانک در قراردادهای از قبل تنظیم شده اختیار بر هم زدن جعاله را از طرف مقابل خود سلب می کند. در جعاله ی اولیه که بانک عامل است حق فسخ را از جاعل و در جعاله ی ثانویه که بانک جاعل است حق فسخ را از عامل سلب می کند. یعنی سند جعاله این گونه تنظیم شده که طرف مقابل بانک با اختیار خودش حق فسخ خود را ساقط می کند، ماده ۷ نمونه ی جعاله ی بانک ملی ایران مقرر میدارد: جاعل در تمام مدت قرارداد حق فسخ قرارداد جعاله را نخواهد داشت و آن را برای بانک پشتیبانی کرده است و در اغلب موارد بانک حق فسخ خود را ساقط نمیکند.

۴. هزینه بانک در تسهیلات اعطایی جعاله سنگین است زیرا بانک قطع نظر از هزینه فرصت سرمایه باید هزینه ی نیروهای انسانی و اجاره ی ساختمان و مصارف آب و برق و گاز و تلفن را پرداخت نماید و در صورتیکه جعاله ثانویه را منعقد کرد باید نظارت بر عمل عامل داشته باشد و این امور موجب هزینه ی بالای تسهیلات اعطایی در قالب جعاله میگردد.

۵. امکان تمدید مدت در بسیاری از تسهیلات اعطایی جعاله ای وجود ندارد و این یکی از مشکلات نظام بانکداری بدون ربا است زیرا از یک طرف بانک نمیتواند بدون دریافت وجهی مدت را تمدید کند و از طرف دیگر نیز پرداخت وجه اضافی ربا تلقی میشود بنابراین چنانچه تمدید مدت با دلیل موجه صورت نگیرد برای مشتری مشکل ساز میشود و برعکس اگر با دلیل موجه صورت پذیرد منابع بانک، بدون دریافت سود برای مدت تمدید شده در اختیار مشتری قرار گرفته است و اصولاً این اقدام برای بانک مصلحت نمی باشد (نقدی، ۱۹۷: ۱۳۹۰).

۶. بانکها برای تأخیر در پرداخت مطالبات ناگزیر به تعیین خسارت تأخیر تأدیه هستند و این امر شبیه ربوی بودن را از دیدگاه شرعی به ذهن متبادر میکند که عده ای از فقها دریافت آن را مجاز و برخی دریافت آنرا جایز نمی دانند (مهدوی نجم آبادی، ۱۳۷۴: ۷۶).

۷. اعطاء تسهیلات در قالب جعاله را در قالب سایر عقود هم میتوان پرداخت کرد و تعدد عقود در قانون بانکداری بدون ربا که یکی از آنها هم جعاله است باعث پیچیدگی مقررات بانکی شده که آثاری از جمله کاهش سرعت عملکرد بانکها و افزایش هزینه عملکرد بانکها و عدم تفهیم مقررات عملیات بانکی بدون ربا به متقاضیان تسهیلات را به همراه داشته است .

۸. تعیین اجرت معلوم در قبال عمل معین شرط جعاله های بانکی است و حال آنکه از نظر فقها علم به عمل و عوض شرط نمی باشد (عاملی جبعی، ۱۳۹۱: ۱۹۳/۸).

۹. در جعاله های بانکی شرط عدم فسخ وجود ندارد و حال آنکه عده ی قلیلی از فقهای امامیه که جعاله را عقد میدانند آن را جائز دانسته اند به طوری که جاعل و عامل هر دو میتواند بدون دلیل موجه عقد را به هم بزنند لیکن در جعاله های بانکی حق مشتری خواه جاعل باشد یا عامل ساقط شده است و علی رغم این که عقود جائز با فوت و جنون و سفه منفسخ میشود ولی بانکها با اخذ وثیقه در صورت حجر وارث متوفی را ملزم به انجام تعهد میکنند (میرآخور، ۱۳۷۰: ۲۸۷).

۱۰. بانکداری بدون ربا به نحوی به آن نوع بانکداری دلالت میکند که بدون بهره اداره می شود و یک بانکداری اسلامی نیست زیرا بانکداری اسلامی به عنوان بانکداری هماهنگ با ویژگیهای اخلاقی نظام ارزشی اسلام تعریف شده است و در حد ایده آل نظام بانکداری اسلامی نظامی است که اولاً کلیه ی معاملات بانک بر مبنای مشارکت بازده و ریسک و رعایت عدالت بین کلیهی شرکاء استوار باشد ثانیاً هر معامله بانکی برقراری رابطه ی شراکت بین بانک و مشتری باشد نه رابطه ی داین و مدیون، از میان روش هایی که امکان مشارکت در ریسک و بازده را بین تأمین کنندگان و استفاده کنندگان سرمایه مالی فراهم می سازد می توان به مضاربه و مشارکت اشاره نمود و جعاله جزء آن نمی باشد (نقدی، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

همچنین ممکن است هر دو طرف بر مفاد قرارداد جعاله جاهل باشند و عدم اطلاع مشتری و کارگزاران بانک از مفاد قرارداد جعاله های که امضاء میکنند موجب حرمت و در نتیجه بطلان آن گردد. زیرا تا شخص به مفاد قرارداد جعاله علم نداشته باشد قصدی ندارد و عقد بدون قصد باطل است و معاملهای که باطل شد بدتر از ربا میشود. ذات عقد جعاله، قرار گرفتن جعل در مقابل انجام عمل مورد جعاله است. حال اگر بانک به عنوان عامل در جعاله قرار گیرد و با اندراج شرط یا شروطی عملاً خود را موظف به انجام هیچ کاری نکند و همه

موضوع جعاله را در قالب وکالت یا عناوین دیگری به خود جاعل واگذار کند که این امر در بعضی از نمونه های قراردادهای جعاله بانکی وجود دارد، ممکن است این شروط به عنوان شرط خلاف مقتضای عقد جعاله تلقی شود چون اصل وذات جعاله این است که جاعل کارش را به عامل واگذار کند. با مراجعه به نمونه قراردادهای جعاله بانکی وجود چنین شرطی مشاهده گردید مثلاً ماده ۸ نمونه قرارداد جعاله بانک صادرات، علیرغم بخشنامه ۳۰۱۵ مبنی بر ممنوعیت واگذاری انجام عملیات جعاله از طریق وکالت، هنوز در فرم قراردادهای آن بانک وجود دارد. البته وکیل کردن جاعل از سوی بانک به عنوان عامل در جعاله ی اولیه برای انعقاد جعاله ثانوی از طرف بانک با اشخاص مورد اعتماد و نیز کمک گرفتن از جاعل برای انجام بخشی از موضوع جعاله منع قانونی و شرعی ندارد ( نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۲۹) از برخی از مقررات بانکی نیز ممکن است جدی نبودن قرارداد جعاله استنباط شود مثلاً برگشت جعل در ماده ۳۱ دستورالعمل اجرایی جعاله تعبیر مناسبی نیست زیرا ممکن است از ظاهر این عبارت این گونه فهمیده شود که گویا متقاضی تسهیلات برای انعقاد جعاله، جعل مورد نیاز را از بانک قرض میگیرد و سپس به صورت اقساط ماهیانه با بهره اش به بانک برمی گرداند که این همان ربای حرام است که قطعاً مورد نظر قانون گذار نیست (مظاهری، ۱۳۸۱: ۱۵۳). پیشنهاد می شود که عبارت مذکور به عبارت برگشت هزینه ها یا برگشت جعل در جعاله ثانوی در ماده مزبور اصلاح شود. و یا عبارت حاوی سود معین برای بانک باشد در ماده ۸ دستورالعمل جعاله این اشکال را ایجاد میکند که چگونه در جعاله سخن از سود معین به میان آمده است در حالی که مقتضای آن تعلق پاداش در مقابل انجام کاری است و پیشنهاد میشود که عبارت مذکور حذف شود (کلویی، ۱۳۹۴: ۱۶۸؛ نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۲۹). بانک طبق بخشنامه های داخلی و نمونه قراردادهای از قبل تنظیم شده به صورت رسم القباله در قراردادهای جعاله در ضمن عقد خارج لازم « شرط اسقاط حق فسخ جاعل را به صورت قید میکند، هر چند در آیین نامه و دستورالعمل اجرایی جعاله تصریحی بدان نشده است این امر که بیشتر جنبه تصنعی و صوری دارد ممکن است موجب حدوث اختلاف بین طرفین و طرح آن در مراجع قضایی شود و شخص جاعل متعرض این نکته شود که عقد خارج لازمی در وجود نداشته است »



برای حل این مشکل پیشنهاد میشود که بدون به کارگیری عبارت شرط اسقاط حق فسخ در قرارداد جعاله نوشته شود و یا این که در ضمن عقد خارج لازم ضمن یک عقد لازم واقعی این شرط درج شود. (نوروزی ۱۳۸۵: ۱۳۰؛ کلویی، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

### نتیجه گیری

در فقه اسلامی جعاله مشروع دانسته شده است و برای آن احکامی در نظر گرفته شده است. اگر در قرار داد جعاله، بانک به عنوان عامل باشد نمی تواند به جاعل که متقاضی تسهیلات است وکالت دهد که جاعل، موضوع مورد جعاله را انجام دهد چرا که چنین وکالتی بر خلاف مقتضای ذات عقد جعاله و مبطل عقد است. تسهیلات اعطایی در قالب جعاله برای بخش تولید مؤثر نبوده و تفهیم آن برای متقاضیان و کارگزاران بانک پیچیدگی خاص خود را دارد. لذا آموزش بانکداری موجب میشود که تفاوت بین بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی روشن شود و این تصور که بانکداری کنونی چیزی شبیه بانکداری ربوی است زایل گردد و اقدامات نادرستی مثل صوری بودن وامها و عملکرد ناشی از ناآشنایی با قوانین و مقررات بانکی کاهش یابد. قراردادهای جعاله باید پیش از پیش نواقص و کاستی های خود را از دست بدهد تا با تکیه بر فرامین شرع به سوی بانکداری بدون ربا گام برداریم. از آنجا که هنوز جعاله در نظام بانکداری اسلامی جایگاه واقعی خود را پیدا ننموده است لذا بهتر است با اشناسازی عموم مردم و تقویت هر چه بیشتر قوانین بانکداری سعی در به کار گیری بیشتر این عقد از عقود اسلامی گام برداشته شود.

📖 کتاب نامه:

\*قرآن کریم

۱. الهام ، صادق، ۱۳۹۴، چالش های فقهی اجرایی شدن عقود در بانکداری اسلامی با مطالعه موردی مضاربه و جعاله، دانشگاه امام صادق (ع).
۲. بیداری حسین وهمکاران، ۱۳۷۱، اعتبارات اسنادی وارداتی و صادراتی، چاپ اول، تهران، اداره آموزش و مدیریت بانک ملی ایران.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ، قم، موسسه ال بیت (ع)، چاپ اول.
۴. حسینی، سید عقیل، ۱۳۸۵/۱۲/۱۴، جعاله در بانکداری اسلامی، نشریه رسالت، شماره ۶۱۰۰.
۵. خرازی، سید محسن، جمعی از مولفان، مجله فقه اهل بیت (ع) قم، چاپ اول.
۶. رئیسی، مصطفی، ۱۳۷۳، جعاله در اقتصاد اسلامی، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. صدر، سید کاظم، ۱۳۶۹، مجموعه سخنرانیهای سمینار و مقالات ارائه شده به دومین بانکداری اسلامی، تهران.
۸. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن احمد، ۱۳۹۱، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة، ترجمه علی شیروانی، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ چهاردهم.
۹. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن احمد، ۱۴۱۳، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
۱۰. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۰۷، مهذب البارع فی شرح مختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۶۷، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، مترجم ابوالحسن شعرانی، تهران، چاپ اسلامی.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۳، حقوق مدنی (مشارکتها- صلح) جلد دوم از عقود معین، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
۱۳. کلویی، مهدیه، ۱۳۹۴، بررسی فقهی-حقوقی عقود بانکی جعاله، مضاربه و مشارکت مدنی در نظام بانکی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.
۱۴. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، ۱۴۰۸، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۵. مظاهری، رسول، ۱۳۷۷، جعاله در نظام بانکداری اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۶. مظاهری، رسول، ۱۳۸۱، جعاله در بانکداری اسلامی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.

رویکردی به قوانین جعاله در نظام بانکداری اسلامی (صص ۲۲۷-۲۰۰)

۱۷. مکی عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد بن مکی بن احمد عاملی نبطی جزینی، ۱۴۱۷، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۸. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۹۰، تحریر الوسیله، چاپ دوم، نجف، چاپ الاداب.
۱۹. مهدوی نجم آبادی، سیدحسین، ۱۳۷۴، هشتمین سمینار بانکداری اسلامی.
۲۰. مهدیه، کلویی، ۱۳۹۴، بررسی فقهی - حقوقی عقود بانکی جعاله، مضاربه و مشارکت مدنی در نظام بانکی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.
۲۱. میرآخور، عباس، ۱۳۷۰، مطالعات نظری در بانکداری ومالیه اسلامی، مؤسسه بانکداری اسلامی.
۲۲. نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۹ و ۱۴۰۴، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۲۳. نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۲۴. نقدی، مریم، نقدی، مریم، ۱۳۹۰، جعاله در نظام بانکداری اسلامی، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴.
۲۵. نوروزی، بهروز، ۱۳۸۵، ماهیت حقوقی و فقهی جعاله در نظام بانکی، ماهنامه کانون، شماره ۶۲.